



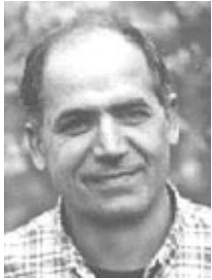
# همبستگی هفتگی

# ۱۳

۲ شهریور ۱۳۸۰  
۲۴ اوت ۲۰۰۱

www.hambastegi.org

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی



wp@iran1.freestve.co.uk

رسیدن حزب کمونیست کارگری و برپایی جمهوری سوسیالیستی، سعی میکنید چه فرهنگی را بین مردم رواج دهید؟  
**اصغر کویمی:** در یک کلام فرهنگی انسانی. در مقابل فرهنگ اسلامی، آخوندی، حاجی بازاری ما مروج فرهنگی پیشرو، سکولار و مدرن هستیم. در جمهوری سوسیالیستی انسانها صفحه ۲

## فرهنگ، آزادیهای فردی و جمهوری سوسیالیستی!

که توان سرکوب دارد که میتواند مقررات اسلامی را به رخ مردم بکشد، که هنوز پتانسیل کشتار و شکنجه در ابعاد وسیع را از دست نداده است که شمشیر اسلام هنوز بالای سر جامعه است. باید کسی را سرکوب میکردند و علنی به همه نشان میدادند. دو نیروی عظیم زنان و جوانان را برای سرکوب عریان آنها در اوج استیصال حکومت انتخاب کردند. هیچ بخشی از حکومت نه سران دو جناح، و نه نیروی سرکوب هیچ توهمی و هیچ ایمانی به پیروزی در این جنگ ندارند و این به معنی اعلام رسمی شکست و بن بست است.  
**همبستگی:** در صورت به قدرت

در میان بخشهایی از مردم پایان داد، اعتراضات کارگری با چنان تیشی شروع شد که به همه کس حالی کرد که دیگر این نیرو با سرکوب از صحنه کنار نمیروند. جنبش خلاصی از فرهنگ اسلامی همچنان به پیش میرفت، فساد در سطوح مختلف حکومت و سوء استفاده های مالی چنان عریان شد که مشروعیت اخلاقی مقامات را حتی برای جانبازان و سطوحی از طرفداران حکومت هم زیر سوال برد. انزوای رژیم هرچه بیشتر شد. همه اینها بر متن بحران لاعلاج اقتصادی، به حکومت اسلامی دیکته کرد که باید کاری کرد، باید نشان داد که جمهوری اسلامی زنده است

**همبستگی:** چرا جمهوری اسلامی بعد از انتخابات مجازاتهای اسلامیش را در ملاعام تشدید کرده است؟  
**اصغر کویمی:** اگر یادتان باشد موضوع اعدامهای وسیع تر، اجرای احکام اسلامی و آنها در ملاء عام از چندماه قبل از انتخابات شروع شد نه از مقطع انتخابات. بعد از انتخابات و بویژه در دو سه هفته اخیر تلاش برای اسلامیزه کردن جامعه به شیوه طالبان شدت محسوسی یافته است. انتخابات نقطه عطفی نبود، ولی روندهای سیاسی قبلی در جامعه یعنی به آخر خط رسیدن و وادادن دو خرداد و تقویت نیروی سرنگونی طلب را تسریع کرد. به انتظار

## همبستگی هفتگی

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر: مهرنوش موسوی

دستیار سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 49 1757 402 582

فکس: 00 358 631 542 53

mehrnousch@aol.com

tavakoli@hotmail.com

## صدای همبستگی

شنبه ها در

رادیو اترناسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

به

فدراسیون سراسری

پناهندگان

کمک مالی

کنید!

همبستگی هفتگی

را تکثیر

و پخش

کنید!

## همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی را بیشتر بشناسید!

برای حقوق انسانی پناهندگان با رسوخ افکار و آرا عقب مانده و ضدزن، با فرهنگ ناسیونالیستی با اسلام سیاسی با تمام آراو عقایدی که حقوق کودک را زیر پا میگذارد و با تمام مظاهر راسیسم چه راسیسم در کشورهای اروپایی و چه ناسیونالیسم ایرانی مبارزه جدی را به پیش برده است. به عضویت فدراسیون درآیید، به صفوف ما بپیوندید و تلاش همبستگی را برای احقاق حقوق انسانی تقویت کنید.

و مبارزات پناهجویان در پاکستان و مبارزات موفقیت آمیز پناهجویان شمال عراق تنها نمونه هایی از این تلاشهاست. تنها در سال گذشته، همبستگی در سوئد، در ترکیه، یونان،آلمان، هلند، کانادا، هند و پاکستان و باکو زندگی پناهندگان بیشماری را از خطر اخراج نجات و به خود آنها برای به ثمر رساندن مبارزاتشان یاری رسانده است.

فدراسیون سراسری پناهندگان در عین حال و همزمان با مبارزه

ایران هستند موفق شده اند نه فقط جان فراریان را از خطر اخراج برهانند، بلکه با کمک همبستگی هزاران هزار نفر اقامت بگیرند و هم اکنون در خود ایران رفته رفته به نامی آشنا به نام سازمانی انساندوست، رزمنده و فداکار شناخته شود که مردم برای طرح مشکلات ناشی از فرار سراغ ما را میگیرند.

همبستگی هم اکنون نامی معتبر برای دول اروپایی و همچنین دول پاکستان و ترکیه است، کمتر پناهجویی در کشورهای هم جوار ایران است که خاطره همیاری همبستگی و تقویت مبارزه از سوی فدراسیون را در خاطر نداشته باشد، مبارزه و تحصن بیش از ۶۰۰ نفر از پناهجویان در ترکیه، تلاش فدراسیون در جریان تحصن ها

هدف از ایجاد همبستگی به عنوان سازمان سراسری پناهجویان ایرانی متشکل کردن پناهجویان در سازمانی سراسری برای دفاع از حقوق اولیه خود در مقابل تعرض دولتهای اروپایی و غیره و همچنین تداوم بخشیدن به مبارزه مردمی است که از دست اسلام، قوانین اسلامی از دست فقر از دست حاکمیت رژیم اسلامی جانشان به لب رسیده است. همبستگی در عمر نزدیک به یک دهه فعالیت خود موفق شده است در اقصا نقاط جهان به نقطه امیدی برای خیل عظیم فراریان از جهنم اسلامی بدل شود از ترکیه تا پاکستان از سوریه تا بیش از ۱۰ کشور اروپایی تا امریکا و کانادا کادرها و فعالین همبستگی که عمدتاً و بویژه از فعالین و کادریهای حزب کمونیست کارگری

### راهنمای متقاضیان پناهندگی

صفحه ۳

### سرگذشت زندگی و فرار یک زن

### از سلول انفرادی تا پناهندگی!

صفحه ۴

## مرگ بر جمهوری اسلامی!

## فرهنگ، آزادیهای فردی و جمهوری سوسیالیستی!

برابردن و از فرصت برابر برای استفاده از نعمات جامعه استفاده میکنند، زن و مرد برابرند، کودک انسان است و جایگاه ویژه ای دارد، طوق قوم و ملیت به گردن کسی آویزان نمیشود، نفس انسان بودن است که برای ما مقدس است نه مالکیت و موقعیت اجتماعی و لاجرم حرمت انسانها برای ما یک اصل بديهی و غیر قابل صرفنظر است. و این با سلب مالکیت خصوصی و الغای مناسبات سرمایه داری امکانپذیر میشود. رویای فرهنگی جامعه نهایتاً تابعی است از مناسبات اقتصادی در جامعه. کسی که قصد جایگزینی مناسبات استثمارگرانه و پر تبعیض کنونی را با مناسبات سوسیالیستی و برابر ندارد نمیتواند منجی و مدافع فرهنگی بر پایه ارزشهای انسانی باشد. مدافعین اقتصاد سرمایه داری و نابرابر، از نظر فرهنگی نیز تولید کننده، رواج دهنده و مشوق سودپرستی و منفعت طلبی فردی، ارزش گذاری بر انسانها بر اساس جایگاهشان در تولید و مالکیت، رقابت و کلاه سر بغلی گذاشتن، هویت ملی و حتی قومی بجای هویت انسانی، و نتیجتاً مدافع ارزشها و فرهنگ سنتی تحت عنوان هویت ملی هستند. ما با سلب مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و ایجاد امکان و فرصت برابر برای همه انسانها ضرورتاً مروج روابطی مبتنی بر عمیقترین غرایض انسانی هستیم. اومانیزم یکی از مشخصات بنیادی و یکی از نقاط قوت مهم جنبش ما است، نه اومانیزم لیبرالی که محدودیتها و نابرابریهای اقتصادی حدود آنرا تعیین میکند و تا جایی مقدس است و اعتبار دارد که به مالکیت بورژوا خدشه

وارد نکند. برنامه ما را در زمینه مسائل چون تن فروشی، اعتیاد، حقوق کودک، سقط جنین، حقوق متهمین و مجرمین، مذهب، لغو مجازات اعدام و .. نگاه کنید تا عمق این انساندوستی و نگرش حاکم بر آن و تمایز بنیادی آنرا با مثلاً طرفداران لیبرال حقوق بشر و انواع و اقسام سوسیالیسمهای بورژوازی ببینید. فرهنگ انسانی ما از این اومانیزم برمیخیزد. مشخصه دیگر جنبش ما، مدرنیسم است. با فراغ بال از دستاوردهای غرب در زمینههای علمی، اجتماعی و فرهنگی، در زمینه هنر، موسیقی، حقوق، حقوق زن، دستاوردهای مربوط به روابط جنسی، و سایر دستاوردهای سکولار و مدرن در غرب استفاده میکنیم. جنبش ما یک جنبش خلاصی از اخلاقیات و تعصبات جاهلانه مذهبی، اسلامی، شرقی است و این یک نقطه قوت عظیم ما در مقایسه با سایر جریانهاست. این نیز بعد دیگری از فرهنگی است که ما مروج آن هستیم. اینها گوشه ای از مناسبات فرهنگی است که ما رواج میدهم و این در غیاب آزادیهای نامحدود سیاسی غیر ممکن است. بگذارید طوق سرمایه بر گردن بشر باز شود تا ابعاد غیر قابل توصیف آزادیها، ابعاد باورنکردنی رفاه و امکانات اقتصادی و ابعاد غیر قابل توصیف دوست داشتن یکدیگر، عشق ورزیدن و لذت از زندگی معنی واقعی سوسیالیسم و فرهنگ حاکم در آن جامعه را به بشریت در بند امروز نشان دهد. جمهوری سوسیالیستی در ایران یک گام عظیم بشریت را به طرف سوسیالیسم عمیقاً انسانی و "غربی" و مدرن ما

سوق خواهد داد. و دستاوردهای فرهنگی بشر را به مقیاسی باورنکردنی ارتقا خواهد داد. **هستیگی:** به چه صورت با مقاومت فرهنگ قبلی و میراث جامعه گذشته برخورد میکنید؟ جمهوری اسلامی به هر نوع آزادی شخصی و لنگاری میگردد، حدود و ثغور این آزادیها در جمهوری سوسیالیستی چطور تعیین میشود؟ **اصغر گریمی:** برقراری جمهوری سوسیالیستی بدو به معنی پیروزی جنبش ما بر سایر جنبشهای سیاسی اجتماعی فرهنگی نیز هست. طبقه کارگری که کوچکترین منفعتی در مناسبات کنونی ندارد، و بخش عظیمی از زنان و جوانان و سکولاریسم جامعه بالقوه نیروی به قدرت رسیدن جنبش ما است. به یک معنی هژمونی اخلاقی، فرهنگی نیز با برقراری جمهوری سوسیالیستی در دست ما خواهد بود. بسیاری از مردم در جریان پیروزی و بدنبال آن و کرور کرور به این جنبش خواهند پیوست. هرچند بسادگی از معیارهای فرهنگی و تعصبات اخلاقی ارتجاعی دست بر نخواهد داشت اما تعلق سیاسی به این جنبش زمینه را بسیار هموار خواهد کرد. بخشهای نه چندان کمی از جامعه نیز بطور همه جانبه مقاومت خواهند کرد. وجود ۱۴۰۰ سال اسلام در این جامعه، صدها سال حکومت های مرتجع و مستبد، بورژوازی، تاریخا بی فرهنگ و بیون، استبداد همیشگی و اپوزیسیون ملی اسلامی بخشی از تاریخ این مملکت و بخشی از واقعیت این جامعه است. مقاومت در مقابل فرهنگ پیشرو و سکولار یک واقعیت اجتناب ناپذیر است. کاری که حکومت سوسیالیستی در برابر این مقاومتها میکند

تضمین بیشترین آزادیهای سیاسی، حقوق فردی و مدنی، ترویج ارزشهای پیشرو، مبارزه وسیع و آگاهانه علیه خرافات مذهبی و قومی و عقب مانده و از بین بردن پایه های مادی آنها است. لازمه پخته شدن، عمق یافتن و خودآگاه شدن جنبش سکولار و مدرن و جدال تاریخی علیه سنتها و اخلاق و فرهنگ حاجی بازاری وجود آزادیهای هرچه وسیعتر است. آزادیهای سیاسی و اجتماعی در جمهوری سوسیالیستی واقعا نامحدود است، نه با اطلاق و لنگاری میتوان محدودیتی بر آزادیهای فردی و مدنی مردم گذاشت نه با اطلاق توهین به مقدسات ملی و مذهبی میتوان حق بیان کسی را سلب کرد. حقوق و آزادیهای سیاسی و مدنی وسیع، بی قید و شرط و تضمین شده و برابر برای همه، شرط پیروزی ما است. مساله مهم این است که با الغای مناسبات سرمایه داری و تامین رفاه برای آحاد جامعه است که تازه فرد امکان ابراز وجود در قلمروهای مختلف زندگی را پیدا میکند و به معنی واقعی کلمه آزاد میشود و این امکان بطور برابر برای همه تامین میشود. این آزادیها همه بصورت مدون و اعلام شده به صورت حقوق خدشه ناپذیر و قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی درمیآید و کسی حق زیر پا گذاشتن آنها را نخواهد داشت.

سوال میتوانست این باشد که آیا کسی بخاطر مقاومت در برابر فرهنگ پیشرو و مدرن، بخاطر تعلق به فرهنگ ارتجاعی، بخاطر عقاید ارتجاعی و مذهبی، بخاطر تعلق به تفکرات نژادپرستانه مجازات نمیشود؟ به نظر ما نه. فرهنگ را نمیتوان سرکوب کرد و بر عقاید مردم نمیتوان محدودیت حقوقی گذاشت. این با اصل آزادیهای سیاسی و مدنی مردم تماماً در تناقض است. در جمهوری سوسیالیستی، نه کتابی را بخاطر محتوای ناسیونالیستی و خرافی میتوان سانسور کرد، نه فیلمی را میتوان صرفاً بخاطر عقب مانده بودن از نظر فرهنگی ممنوع کرد، نه حق کسی را بخاطر اعتقاد به جادو و جنبل و ظهور امام زمان میتوان سلب کرد، و نه حق تبلیغ این مزخرفات را میتوان از کسی سلب نمود

اما آموزش و پرورش و دولت را کاملاً از مذهب جدا میکنند و هرگونه سوسید دولت به مذهب را قطع میکنند. به این معنی پایه مادی مذهب روز بروز ضعیف تر میشود. دقیقاً بخاطر دفاع از آزادیهای مدنی مردم، جلو مراسمهای خشونت آمیز و غیر انسانی مثل تیغ زنی گرفته میشود، جلب کودکان به مراسمهای مذهبی ممنوع میشود و دیگر صدای اذان و قرآن از بلندگوهای عمومی گوش مردم را آزار نخواهد داد. طرفداران قوم پرستی میتوانند اندر برتری نژاد آریا مقاله بنویسند و متعصبین به خدا و پیغمبر میتوانند از صبح تا شب دعای کمیل بخوانند، اندر فواید ختنه دختر و پسر کتاب بنویسند، در باره غسل و طهارت رساله چاپ کنند و عقایدشان را ابراز کنند اما حقوق کودک ایجاب میکند که ختنه در قانون ممنوع شود و آموزش از مذهب تماماً جدا گردد. و دولت با همه امکاناتش و نسلی که انقلاب کرده، جنبش قدرتمند سکولار، جنبش عظیم زنان برابری طلب و ضد مذهب، نسل جوانی که فی الحال زیر بار اسلام نرفته و جنبش کمونیسم کارگری مبارزه فرهنگی آگاهانه و وسیعی را علیه خرافات از هر نوع سازمان میدهد و به قول منصور حکمت همانطور که بخشی از امکانات جامعه صرف مبارزه با مالاریا و وبا میشود نیروها و امکاناتی در جامعه باید صرف صنعت مذهب، بنگاهها و نهادهای مذهبی بشود. جامعه ایران آنچنان تشنه سکولاریسم است، آنچنان رویگردانی از مذهب و سایر خرافات ابعاد عظیمی بخود خواهد گرفت که ایران شش ماه بعد از انقلاب سوسیالیستی از ایران کنونی مطلقاً قابل تشخیص نخواهد بود. بنظر من مسائل فرهنگی مانع قابل محاسبه ای بر سر پیروزی کمونیسم و جمهوری سوسیالیستی در ایران نخواهد بود، اما فرهنگی که ما میشر و مبلغ آن هستیم نقطه قوت بسیار مهمی برای جنبش ما خواهد بود.

## تقاضای کمک برای یافتن حسین اخباری!

در تماس پدر حسین اخباری از ایران با دبیرخانه مرکزی فدراسیون، او از ما خواسته است تا برای پیدا کردن فرزند گمشده اش به او کمک کنیم. حسین اخباری متولد ۱۳۴۳ از سال ۱۳۶۷ در جریان جنگ ایران و عراق در منطقه زبیده دهلران مفقودالثر شده است، سالهاست که پدر وی همه جا را بدنبال پسرش زیر پا گذاشته است. پدر حسین احتمال میدهد که فرزندش در عراق یا کشور دیگری شاید پناهنده شده باشد. همین جا از همه کسانی که این نشریه را در دست دارند، از طرف دبیرخانه مرکزی فدراسیون از همه تقاضا میکنیم که این خانواده را برای یافتن پسرشان یاری دهند. هر خبری یا نشانه ایی از وی یافتید، با تلفنهای تماس ما تماس گرفته تا ما سریعاً این خانواده را در ایران در جریان قرار بدهیم.

## مشاوره حقوقی:

## راهنمای متقاضیان پناهندگی

## نحوه مصاحبه، کیس راه و سوالات مربوطه



مهرنوش موسوی

من از میان کیسهای زیادی سوالات عمومی تری را که تقریباً غالباً مطرح میشوند انتخاب کرده ام.

۱- چه دلیلی شما برای ورود به خاک آلمان دارید؟

۲- کی و چگونه کشور خودتان را ترک کردید؟

۳- چگونه و از کجا مطلع شدید که جان شما در خطر است؟

۴- چگونگی سفر و نحوه فرار خود را در جزئیات تصویر کنید!

۵- وضعیت زندگی شخصی خودتان را در کشورتان برای ما شرح بدهید!

۶- آیا شما عضو یک حزب و سازمان و یا گروه سیاسی هستید؟ آیا به همین دلیل مورد تعقیب قرار گرفتید؟ از کی چگونه و چه تاریخی به عضویت درآمدید؟

۷- چه کسی به شما توصیه کرد که به آلمان بیایید؟

۸- آیا کسی برای انجام این سفر به شما کمک کرده است. نام، آدرس و مشخصات او را ذکر کنید!

۹- چگونه از لحاظ مالی این سفر را تأمین کردید؟

۱۰- آیا آشنا و یا فامیلی در آلمان دارید؟

۱۱- آیا تا قبل از این در خود آلمان و یا کشور دیگری تقاضای پناهندگی داده اید؟ کجا و کی؟

۱۲- آیا قبلاً از آلمان دیپورت شده اید؟

۱۳- میتوانید دلایلی بیاورید که چه اتفاقی برای شما خواهد افتاد اگر از آلمان اخراج شوید؟

۱۴- چه زمانی حاضر هستید به کشور خود باز گردید؟

۱۵- از کی و چگونه فعالیت سیاسی خود را شروع کردید؟

۱۶- نحوه فعالیت سیاسی خود را شرح دهید؟

۱۷- نام و نام فامیل کسانی که با شما فعالیت سیاسی میکردند را ذکر کنید!

ماجرا توأم باشد. کلیت جوابگویی به سوالات در این بخش چه با مدرک و یا بدون آن بستگی به شرح دقیق و جزئیات ماجرای راه دارد.

ارائه مدرک میتواند به شما کمک بکند. باید توجه کنید که این بخش از مصاحبه بسیار مهم است. از چندین سال قبل به این سو برای دولتهای پناهنده پذیر و جهت پیمانال کردن حقوق پناهنده راه فرار مهمتر از علت فرار محسوب میشود. کسانی که حتی برای آنها مسجل میباشد که فعالین سیاسی بوده اند، به دلیل تناقضات در پاسخ گویی به این دسته سوالات از حق اقامت محروم شده اند. راه فرار از ایران نیز از هر کدام از مرزهای کشور، باید خیلی روشن و دقیق در پاسخ به سوالات ترسیم شود.

از چند سال پیش به این طرف در بعضی از فرودگاههای مهم پایتخت کشورهای اروپایی دوربینهایی نصب شده است که تصویر مسافری را از خروج هوایما فیلم برداری میکند، مواردی بوده است که به این وسیله پناهجو گیر افتاده است.

در این رابطه در عین حال میتوان از کشورهایی مثل استرالیا هم نام برد که ورود غیر قانونی به این کشور اصلاً جرم محسوب شده و پناهجو به این خاطر به زندان برده میشود. کسانی که با ویزای شننگن ورود کرده اند و در کشور دیگری تقاضای پناهندگی میدهند باید بدانند که اسم و مشخصات دارندگان ویزای شننگن در مرکز اطلاعات کامپیوتری آن تا مدتها ثبت میشود. در رابطه با این دسته از مشکلات قبل از مصاحبه با ما و یا با وکلای حقوقی خود در این زمینه تماس و مشاوره کنید.

بلغارستان وارد آلمان شده و به اداره فدرال اطلاع و تقاضای پناهندگی میکنند، به این کشورها بر گردانده میشوند و تقاضای پناهندگی آنها رد میشود. علاوه بر این کسانی که یک بار در هریک از این کشورها تقاضای پناهندگی داده باشند تقاضایشان رد و به کشور مربوطه باز پس فرستاده میشوند.

در مورد کیس راه باید شما مدارکی ارائه بدهید که نشان بدهد شما از کجا آمده اید. بودینگ کار، ویزا، بلیط و مدارکی از این دست، شما همچنین باید بتوانید راهی را که از آن آمده اید کاملاً شرح بدهید، از کدام فرودگاه و اینکه کجا مورد کنترل قرار گرفته اید، حتی رنگ لباس میهمانداران هوایما. اگر مدرکی در دست نداشته باشید، دلایل و اظهارات شما نقش تعیین کننده در قبولاندن دلایل و کیس راه شما به مصاحبه گران دارد.

اگر از ایران آمده اید باید جوابگوی این تناقض باشید که چگونه علیرغم تحت تعقیب بودن، از فرودگاه مهرآباد خارج شده اید، در زمینه خروج علنی و قانونی از کشور، غالب پناهجویانی که با ویزا و هم چنین بدون بازرسی و درگیری خارج شده اند، با مصاحبه گران مسئله داشته و غالباً با جواب رد مواجه شده اند اگرچه تعداد محدودی هم حتی موفق به گرفتن حق اقامت بر اساس ماده ۱۶ شده اند. خروج قانونی از مهرآباد و یا غیر قانونی ولی مستقیم از کشور باید حتماً با دلایل مستند و شرح جزئیات

را برای ارائه به مصاحبه گر جمع اوری کنید، مدارکی مثل مدارک مربوط به دستگیری، زندان، تأییدیه، بریده روزنامه و مدارکی که دال بر گفته های شما در مصاحبه است. همچنین این حق شماست که چه بوسیله وکیل و چه بوسیله مشاورین حقوقی مثل دفاتر فدراسیون خودتان را برای مصاحبه آماده کنید.

مصاحبه در دو بخش است ۱- کیس راه ۲- کیس سیاسی؛ کیس راه:

بنا به قوانین کشورهای پناهنده پذیر و همچنین آلمان، هرکسی که در راه فرار خود از کشور سومی عبور کرده یعنی مثلاً زمینی آمده و در کشورهای بین راه توقف داشته و یا هوایی آمده و از ایران به اینجا در بین راه در کشورهای امن دیگری توقف کرده است تقاضای پناهندگی در بسیاری موارد رد میشود.

بر اساس قانون پناهندگی آلمان کسانی که از طریق این کشورها وارد آلمان میشوند، از دریافت حق پناهندگی محرومند و به این کشورها برگردانده میشوند تا در آنجا اگر تمایل داشتند تقاضای پناهندگی بدهند. این کشورها عبارتند از: بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، یونان، انگلستان، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، اتریش، لهستان، پرتغال، سوئد، سوئیس، اسپانیا، جمهوری چک.

همچنین پناهندگانی که از کشورهایی که هم مرز آلمان بوده و امن محسوب میشوند، کشورهای مثل چک، مجارستان، اسلواکی، رومانی، لهستان و

مقدمه: این بخشی از دفترچه راهنمای متقاضیان پناهندگی در آلمان میباشد که توسط مهرنوش موسوی نوشته و در دست انتشار میباشد. نظر به اهمیت و تطابق آن با قوانین بسیاری از کشورهای پناهنده پذیر اقدام به چاپ بخشهایی از آن در این شماره همبستگی هفتگی میکنیم. در این شماره به اهمیت مصاحبه و کیس راه میپردازیم و نمونه هایی از سوالات را چاپ میکنیم. در فرصت های بعدی همچنین کیس سیاسی و اشکال مختلف آن.

مصاحبه جایگاه بسیار مهمی در زندگی پناهندگی شما دارد. گذاشتن اولین خشت توسط شما برای گرفتن حق پناهندگی است. مصاحبه بر اساس قاعده دائمی خود چند روز پس از معرفی برگزار میشود. ولی مواردی هم بوده است که زودتر و یا دیرتر برگزار شده است. مصاحبه و تاریخ برگزاری آن کتباً به شما و اگر وکیل داشته باشید به اطلاع او هم میرسد، حضور نیافتن بدون دلیل کتبی در مصاحبه خطر رد شدن دارد و امکان برگزاری مصاحبه تقریباً وجود ندارد. اما اگر مریض باشید میتوانید زودتر کتباً عدم شرکت خود را به اطلاع اداره فدرال برسانید. برای شما نوبت دیگری برای مصاحبه مقرر خواهد شد. وکیل شما میتواند همچنین اگر لازم بدانید در مصاحبه شرکت کند اگر نتوانستید به دلایلی زبان مترجم را کاملاً متوجه شوید، میتوانید خواستار مترجم دیگری بشوید. شما میتوانید در طول مدت، میان معرفی و مصاحبه مدارکی

از سایت همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان دیدن کنید

جدیدترین اطلاعاتی های فدراسیون، جدیدترین شماره نشریه همبستگی، آخرین اخبار و رویدادهای پناهندگی و مقالات متنوع دیگر را میتوانید مطالعه کنید.

نمونه های سوالات مصاحبه ها:

سوالات البته بنا بر کیس مصاحبه شونده طرح میشوند،

## سرگذشت زندگی و فرار یک زن

## از سلول انفرادی تا پناهندگی!

مینیو همیلی

قسمت اول:

من یکی از هزاران زنی هستم که با کمک همبستگی توانستم در ادامه فرار و رنجهایی که کشیدم امکان بیایم زندگی خود را در یک گوشه امنی در این دنیا سامان بدهم، داستان زندگی و فرار خود را که میدانم داستان رنجها و فرار هزاران هزار زن مثل من هست برای شما مینویسم. پیام من در این شرح سرگذشت به همه زنان این است که نترسند، ترس سرمنشأ ذلت است. هر انسانی حق دارد انسانی زندگی کند. اگر همبستگی و تلاشهای فدراسیون نبود، من امروز اینجا نبودم. وقتی که مردم ایران برای رفع نابرابریها، علیه فقر و بدبختی و برای عدالت اجتماعی و آزادی بر علیه شاه و ساواکش قیام کردند. در آن زمان من دوازده ساله بودم و با وجود کم سن و سال بودنم در تظاهرات شرکت میکردم. خیلی

قبل تر از این زندگی مرا مجبور کرده بود دست از بچگی کردن بردارم و با مشکلاتی دست و پنجه نرم کنم که بزرگترها هم از پیشش بر نمی آمدند. بعد از انقلاب هنوز ۱۵ سال نداشتم که در شهر سنندج، شهری که در آن بدینا آمده بودم، چشمانم شاهد یک جنایت تاریخی وحشتناک بود. مثل فیلم های جنگ جهانی میماند. جنگ میان مردم شهر سنندج و نیروهای رژیم اسلامی. من در این جنگ شرکت داشتم و به بخش جدایی ناپذیر خاطرات من بدل شده است. نیروهای سرکویگر رژیم به هر طریقی که میتوانستند بر روی مردم آتش گشودند و هزاران نفر کشته و زخمی شدند. چند ماه قبل از آن اعدامهای دسته جمعی خلخالی شروع و از همان ابتدا کینه من نسبت به رژیم دو چندان شد. من انتخاب خود را کردم و به صف نیروهای سیاسی علیه رژیم پیوستم. در

سال ۵۹ شهر بعد از مقاومتی خونین به تصرف جمهوری اسلامی درآمد، روی تلی از اجساد بهترین و انقلابی ترین فرزندان مردم جمهوری اسلامی پایه های حکومتش را در کردستان کوید. در آن زمان من به عنوان امدادگر در اتاق عمل بیمارستان شهدا فعالیت میکردم، زخمیها به حدی زیاد بودند که در راهروها و در رختکن اتاق، عمل جراحی میشدند. زمانی که دست و پا های بریده را به سردخانه میبردیم، میدیدیم اجساد تا سقف روی هم انباشته شده بودند. بارهها بیمارستان مورد اصابت خمپاره قرار گرفت. به همراه دیگر رفقای امدادگر با آمبولانس برای جمع آوری زخمیها و بردن کمکهای دارویی به بیمارستانهای مخفی به داخل شهر میرفتیم که از طرف پاسداران به ما تیراندازی میشد و دهها تن از دوستانم در کنار من جان باختند. بلاخره شهر به تصرف نیروهای سرکویگر درآمد. دستگیری ها و اعدامها شروع شدند از جمله اعدام امدادگران، پرستاران و حتی رئیس بیمارستان به نام (شهین باوفا) اعدام شد. دوران بلوغ من در میان بوی باروت، خمپاره و خون سپری شد. تا ماهها دستگیری ها ادامه داشت. در این میان من دستگیر و به علت عدم شناسایی پس از دو روز آزاد شدم. در یک روز بهار سال ۶۰ در خیابان در حالیکه قدم میزدم دوباره دستگیر و در نتیجه بازرسی کیفم توسط پاسداران از من مدارکی بدست آمده و به زندان برده شدم. دوستی همراهم بود که به کمک مردم متواری شد. در روزهای سخت بازجویی در مرکز اطلاعات ساختمان ساواک قدیم، تحت شکنجه قرار گرفتم تا اسم و آدرس دوستم را گفته و به اتهاماتم اعتراف کنم. سلولها پر از زندانی مرد بود و در سلول کناری من کسی به اسم یدالله مقاومت را نسبت به ستم تحسین و به من روحیه میداد. بازجویی که خود را قاسمی و دانشجو معرفی میکرد از کانال دوستی وارد میشد و

حرکات بسیار زنده ای داشت، من از حالتهاش به ناخودآگاه ترسیده بودم. پس از چند ماه به بند عمومی دادگاه انقلاب انتقال داده شدم و در کنار دیگر زندانیان در بدترین شرایط یک سال را گذراندم و زمستان سردی را بدون وسایل گرمایی و بدون داشتن آب گرم برای استحمام سپری کردیم. شلاق، انفرادی و قطع ملاقاتها، شکنجه های عادی ما بودند. دوشنبه شب ها ما را خبر میکردند تا ناظر اعدام بهترینهای این مردم باشیم. در روبروی بند ما در حیاط زندان با تک تیر بچه ها را میزدند و پس از فاصله زمانی نسبتاً طولانی تیر خلاص را شلیک میکردند. آنها درخون خود میغلغلتیدند و پاسداران به مانند بیماریان روانی ارضاء شده، با شلنگی که برای شستن خونها بکار میرفت آب بازی میکردند و وقیحانه میخندیدند. لرزش خاصی به من دست میداد سوزش دردی عمیق تمام بیکر کوچک و نحیفم را فرا میگرفت و تا صبح گریه میکردم. روزی که قرار بود کسی از بند ما اعدام شود یک سهم غذا کم میدادند، به همدیگر و به سهمیه های غذا نگاه میکردیم، گاه اوقات نگاهمان را میدزدیدیم، کسی نمیخواست بپرسد که نوبت کیست. جا دارد همین جا از فضیلت دارایی یادی کرده باشم، وی از زندانیان مقاومی بود که به قول دادستان تا دم آخر پیشنها همکاری را نپذیرفت. از جمله زنان شجاع و قهرمانی بود که داستان زندگی و مقاومتش جزو تاریخ مبارزه و قهرمانیهای مردمی است که نصف بیشترشان گمنامند. حکم من هفت سال زندان در زندان قم بود. به همراه شش نفر دیگر ما را روانه زندان قم کردند. در آن زمان به خانواده ام خبر زندان قم به قول زندانبانان باعث اغتشاش و تحریک زندانبان شده بودیم، برای همین ترجیح دادند پس از دو ماه ما را به زندانهای مختلف بفرستند. من و دوستم را به زندان اصفهان منتقل کردند،

در آنجا بند زندانیان عادی و سیاسی یک جا بود. زندانیان عادی شامل قاتلها که اکثراً بیمار و خطرناک، تن فروشان و دلان که اکثراً بیماریهای مقاربتی داشتند، قاچاقیان، سارقان و معتادان بودند. من از زبان سارقان و تن فروشان بارها شنیدم که میگفتند "اگر لقمه نانی برای سیر کردن اعضای خانواده آنها در سفره شان گذاشته میشد هرگز خود را به ذلت نمیکشاندند". از زندانیان سیاسی زندان اصفهان بسیاری را برای اعدام از نزد ما بردند در حالی که آثار شکنجه هایشان بهبودی پیدا نکرده بود. شبانه صدها نفر اعدام میشدند. یکی از دوستان همبندی من را در یک شب پدر، مادر و دو برادرش را تیر باران کردند. فرزانه سلطانی پس از چند ماه انتظار اعدام شد. وی به هنگام رفتن گفت " بچه ها کمونیستها هرگز نمیرند، هنوز بیرون خیلی ها هستند ". بمدت ده روز به خاطر اعتراف به نخواندن نماز روزانه به ازای هفده رکعت، هفده ضربه شلاق میخوردم. پس از سه سال به زندان سنندج منتقل شدم. قرار شد کسانی که هوادار ساده و نصف حکمشان را سپری کرده بودند آزاد شوند. شرط آزادی مصاحبه بود و چون تن به مصاحبه ای که آنها میخواستند ندادم با اینکه به اصطلاح عفو خورده بودم آزاد نشدم و بار دیگر به سلول انفرادی روانه شدم. بلاخره پس از ماهها در سن بیست سالگی آزاد شدم. در زندان و در آن شرایط غیر انسانی قد کشیدم، هیكل و قیافه ام تغییر کرده بود. تجربه و احساساتم اما تا آنجا که به مناسبات میان زن و مرد بر میگشت هنوز پشت کوهی از احساسات خشن، کوهی از درد و رنج که بوی باروت و فریادهای قبل از اعدام و شکنجه میداد پنهان شده بود. بی تجربگی من در این زمینه باعث شد که بعدها در مناسباتم با مردی که همسرم شده بود وارد و اسیر زندان دیگری شوم. ادامه در شماره بعد

## دیرخانه مرگری

مریم نمازی دبیر فدراسیون فرشاد حسینی معاون دبیر و مشاور مسائل پناهندگی کیوان جاوید سردبیر نشریه همبستگی سیامک امجدی مسئول سایت در انترنت رامین نیاکان مسئول فاکسهای حمایتی نسرين رمضانعلی مسئول تشکیلات لادن داور مسئول مالی حبیب نضوحی دستیار مالی مهرنوش موسوی سردبیر همبستگی هفتگی تهیه کننده و مجری صدای همبستگی امیر توکلی مسئول روابط عمومی و دستیار همبستگی هفتگی جمال کمانگر مسئول کشورهای هم مرز جواد اصلانی دستیار سردبیر همبستگی انگلیسی و ماهنامه حقوق مدنی در ایران

تلفن: 00 447730107337

فکس: 00 448701294167

ifir@ukonline.co.uk

آدرس: P.O.Box 27236 - London - N11  
2ZF - England

به فدراسیون سراسری پناهندگان بپیوندید!